

اسلام و استقلال نفس



تنها با غلبه بر عادات نادرست می توان شخصیت انسانی یافت



تأمین هدف اساسی زندگی و بدست آوردن مقام والا و برجسته ای که لایق انسان واقعی است، بمصرف برسانند.

علاقه به پیشرفت از هدف های انسانیت است، ولی بشر از نظر محدودیت قوایش محال است هر چه دارد در راه رسیدن به مقاصد پست صرف نماید و باز هم برای کوییدن راه تعالی ظرفیت داشته باشد، و بتواند با عالم بالاتر رابطه و آشنائی پیدا کند، پاسخ دائم و مستمر به انگیزه های منحط عامل اصلی سقوط آدمی است، و در این صورت بسیار دشوار خواهد بود که شخص قادر گردد فعالیت و جنبش ارزنده ای در او الگرائی و امور ارزشمند از خود نشان دهد.

اسلام نیروی مثبت بودن انسان را برای مقابله با تمام مشکلات بسیج می کند، تا در رویدادهای شکننده، سخت بایستد و با مبارزه پی گیر با موانع بر هر چیزی تسلط و برتری پیدا کند. و نیز در برابر افراد مقتدر و توانا با حفظ موضع خود استوار و

نیل به استقلال شخصی، از ژرفای احساسات بشری سرچشمه می گیرد، و این خواهش فطری وقتی لباس وجود می پوشد که روش کار و عمل بر اساس همین تمایل پی ریزی شود.

اسلام در همه جامه ها تمایلات انسانی را با نظری صادقانه و پاک نگریسته و نه تنها به واپس زدن انگیزه های سازنده و خواستهای اصیل درونی دستوری نمی دهد و از تظاهر آن ها در حوزه «خود آگاه» جلوگیری بعمل نمی آورد، بلکه برای ارتقاء، بسوی هدف های عالی انسانی آن ها را بکمک می گیرد، و در بک لحظه هم قوای تحریکی و هم اصولی که این قوا را تحت نظم و کنترل درمی آورد مورد دقت و ملاحظه قرار می دهد.

با چنین دید وسیع و گسترده می توان روان را از جنبه های گوناگونش تحت موازنه در آورد و قوای آن را در جاهای مناسب و ثمر بخش بکار انداخت؛ تا آدمی بتواند در نردبان تکامل گامهای محکم و استوار بردارد؛ و انرژی تراکم یافته اش را در راه

خود نیست، و تازمانی که این طرز فکر بر وجودش
چیره باشد محال است از مزیت انسانی برخوردار
گردد.

علی (ع) می فرماید: « **من احتجت الیه
هنت الیه** » به هر کس نیاز پیدا کنی نسبت به
او احساس ذلت خواهی کرد. (۲)

در نظام اسلامی نیل به سعادت ابدی و معنوی نیز
بستگی به عمل شخصی دارد، اصولاً مسؤلیت فردی
اساس تعلیمات اسلامی را تشکیل می دهد، و در تمام
شئون دین و دنیا وظایفی که بمهده بشر گذارده باید
با اتکاء به عمل، مراحل پیش بینی شده را ببیماید،
مسأله کبیر و پاداش که از بدیهات مسائل اسلامی
است بر همین اساس استوار گردیده است.

قرآن کریم خاطر نشان می سازد که برای انسان
جز حاصل کوشش و تلاش او پاداشی نیست: « **کل
نفس بما کسبت رهینة** » هر نفسی در گرو عملی
است که انجام داده. (۳)

« **من عمل صالحاً من ذکرا و انثی و هو
مؤمن فلنحییه حیوة طیبة و لنجزینهم
اجرهم باحسن ما كانوا یعملون** » هر کسی
که ایمان داشته باشد و عمل شایسته ای بجا آورد
چه زن باشد یا مرد زندگی رضایت بخش نصیبش
می کنیم و بهتر از آن کارهای نیکی که انجام داده پاداش
می دهیم. (۴)

پابرجا بماند؛ بدین سان همت آدمی اوج می گیرد و
دارای يك نیروی شگفت انگیز و گران قدر روحی
می شود. استقلال و شرف انسان در این است که در
کارزار زندگی همت کافی بخرج دهد، و با اتکاء
بنفس بحل مشکلات خود پردازد، وقتی این آرمان،
رنگ تحقق می پذیرد که شخص در راه تأمین سعادت
مادی و معنوی خویش با تمام نیرو روی پای خود
بایستد.

امیر مؤمنان علی (ع) فرمود: « **من رقی درجات
الهمم عظمته الامم** » هر کس همت خود را بلند
سازد و مراحل عالی آن را طی کند مورد ستایش و
تعظیم قرار خواهد گرفت. (۱)

کسی که فاقد اتکاء بنفس و استقلال شخصیت
است و در پی تکیه گاهی است تا به آغوش آن پناه
ببرد و در دشواریهای زندگی زیر چتر حمایتش قرار
گیرد، به بیچک هائی می ماند که شاخه های نرم و
لطیف خود را بدور چنار سر به آسمان کشیده حلقه
می کنند تا بدین وسیله در سایه ی نیرومندی آن از گزند
طوفانها و حوادث محفوظ بمانند.

ممکن است روح منفی تبدیل به يك بندگی
ذلت آور در مقابل فرد نیرومندی گردد، و اگر انسان
این چنین خسود را خوارش مرد شخصیتش را بکلی
از دست داده و قدرت فرمانروائی بر امور نیز از وی
سلب خواهد شد؛ چه او دیگر يك دنباله رواست نه
پیشرو و مستقل، مالک نفس و صاحب اختیار آزادی

۱ و ۲ - غرر الحکم ص ۶۶۸ - ۶۶۱

۳ - سورة المدثر آیه ۳۷

۴ - سورة نحل آیه ۹۷

هر عملی پاداش خود را به همراه دارد یا بعبارت دیگر طبق همان قانونی که از آن سخن گفتیم خود را تکمیل می کند، به دو طریق: نخست از راه فعل و انفعال در خودشیء، در طبیعت واقعی، سپس از راه کیفیت علنی، در طبیعت ظاهری کیفیت علنی همان است که کيفرو عقاب نامیده می شود، عقاب ذاتی در خودشیء است و به چشم دیده می شود، عقاب کیفیتی از طریق فهم مشهود می گردد، عقاب اخیر از خود شیء منفصل نیست، اما غالباً نامدتی مدید ظاهر نمی شود، عواقب مخصوص بزه ممکن است سالها پس از وقوع آن رخ نماید؛ اما بطور حتم بدنبال آن خواهند آمد زیرا ملازم آنند، و چون رشته ای به آن پیوسته اند؛ جرم و مجازات شاخه هائی از يك تنه هستند، جزا میوه ای است که ناگهان از درون شکوفه لذتی که آن را پنهان داشته است، میرسد. (۳)

هر کس در زندگی باید موقعیت خود را ارزیابی کند و بداند که در صحنه جهان چه راهی را انتخاب کرده است، به جانب خیر و سعادت می رود یا نکبت و بدبختی، با آشنائی به نیازهای روانی بخوبی میتوان با عوامل و شرائطی که موجب برهم خوردن تعادل روحی میشود مبارزه کرد، و نگهدار آن عوامل و شرائط همه بزبان انسان جمع شده و دست بدست هم بدهند، ولی پس از آنکه مسلم شد نارسائی و نقص بر وجود شخص چیره گردیده است تا زمانیکه منشأ آن در اعماق و زوایای تارک درون تعیین نشده

علاوه بر کيفرو پاداش در جهان آخرت، در همین دنیای انسان نتایج کردار خویش را دریافت خواهد کرد.

پیامبر اسلام (ص) فرمود: «من عمل سوء یجزی به فی الدنيا» هر کس دست به ارتکاب عمل خلافی بزند در همین دنیا سزای بد کرداری خود را خواهد دید. (۱)

«من یزرع خیراً یحصد رعبه و من یزرع شراً یحصد فدامه» هر که بذریکی بکارد سود خواهد برد و هر کس تخم بدی بيفشانند جز پشیمانی حاصلی عاید وی نخواهد گردید. (۲)

فیلسوف آمریکائی «امرسن» می گوید: «جهان به ثابۀ جدول ضرب یا معادله ریاضی است که آن را هر گونه پیچ و تاب دهند، باز خود را موزون میسازد و پاسخ آن یکی است، مادر حل يك مسأله ریاضی هر راهی را انتخاب کنیم اعدادی که بدست می آیند لایتغیرند، طبیعت با سکوت ولی بطور متقن و متیقن هر رازی را بر ملامی سازد؛ هر جنایتی را مجازات می کند، هر فضیلتی را پاداش می دهد، و هر ستمی را جبران می کند، آنچه را که ماعقاب مینامیم حاجتی است جهانی که به موجب آن رخسار کل از درون جزء خودش سر می زند، اگر مادودی بینیم به یقین می دانیم که از آتشی برخاسته است، اگر دوستی یا پائی را مشاهده کنیم یقین داریم که پیکری در پس آن هست.

۱ - نهج الفصاحة ص ۵۹۲

۲ - نهج الفصاحة ص ۶۲۲

۳ - فلسفه اجتماعی ص ۳۷۸

هر عادت بدنشانه ضعیفی است که در اثر تکرار عمل حاصل میشود؛ و بصورت بیماری مزمن و زبانیخس درمی آید؛ گرچه تغییر جهت عادت در آغاز کار تا اندازه ای مشکل بنظر میرسد؛ ولی با تمرین و ممارست میتوان عادت را بمجاری دیگر انداخت که بانارسانی سابق مغایرت داشته باشد، اگر در نخستین مراحل بروز نارسانی از آن جلوگیری نشود چاره آن در مراحل بعدی به آسانی امکان پذیر نیست، غلبه بر هر يك از عادات زیانبار از لحاظ تشکیل سجا یا مشخصات پاک روحی پیروزی بزرگی بحساب می آید.

علی (ع) فرمود: «بِقَلْبَةِ الْعَادَاتِ؛ الْوَصُولُ إِلَى أَشْرَفِ الْمَقَامَاتِ» انسان بوسیله غلبه بر عادات ذیانیبار، بدرجات ارجمند و عالی نائل میگردد. (۱)

درمان اساسی دردمند امکان پذیر نیست. آنها نیکه گرفتار عدم اعتمادند و ازدست زدن به هر کاری بیم دارند مبادا در صورت دخالت موفق به انجام آن نشوند، بهترین راه این است که به عوامل این نقص روحی پردازند، زیرا برای درمان هر نوع بیماری در مرحله نخست شناخت علل و عوامل بیماری لازم است؛ و به این ترتیب میتوان به اعماق وجود خود راه یافت و کلید درمان را بدست آورد؛ بی شک با ثبوت ناسالم بودن حالات شخص بسه نسبت کوششی که در راه ریشه کن ساختن نواقص میشود؛ توفیقات قابل توجهی عاید وی میگردد؛ چه مبارزه بی گیر با عوامل نامساعد روحی درید قدرت و ظرفیت انسان است.

تَنْ پُرُورِی

تابش ماه و خود کجا یابد
سره سیم و زر کجا یابد
سلك در و گهر کجا یابد
مرد رادر حضر کجا یابد
کام دل از هنر کجا یابد
بر شکارش ظفر کجا یابد
(ابن یسین)

هر که چون سایه گشت خانه نشین
وانکه بهلو تهی کند از کار
وانکه در بحر غوطه می نخورد
آنچه اندر سفر بدست آید
گر هنرمندگوشه گیر بود
باز کز آشیان خود نپرد